

## سودایی بیاضه‌ای جندقی

سیدعلی آل داؤد

سودایی بیاضه‌ای از سراینندگان متوسط‌الحال اوائل دوره قاجار است که در تذکره‌های آن عصر بیشتر با عنوان سودایی زواره‌ای یا جندقی از او نام برده شده است. از مجموع اطلاعاتی که مآخذ همعصر وی به دست می‌دهند چنین برمی‌آید که نیاکان او در زواره اردستان می‌زیسته‌اند و سپس در دوران صفویه به قریه بیاضه از روستاهای ناحیه جندق و بیابانک کوچیده‌اند. سودایی از سادات طباطبایی بیاضه و عموزاده حریف جندقی شاعر شاهنامه خوان مشهور عصر فتحعلی شاه است. در رساله‌ای که در شرح احوال حریف نوشته شده و جزئیات زندگی او در آنجا آمده از زادگاه او نامی در میان نیست و معلوم نشده که وی در کدام یک از قرای جندق و بیابانک زاده و پرورده شده است، اما اکنون با کاوش در احوال سودایی، پاره‌ای از مجهولات زندگی حریف روشن می‌گردد. میرزا محمدعلی وامق یزدی (در گذشته سال ۱۲۶۶ ق) که کتابی در شرح حال شعرای یزد به نام تذکره میکده نگاشته بیشتر از دیگران به جزئیات زندگانی سودایی پرداخته است. وامق که تذکره خود را در سال ۱۲۶۲ ق به انجام رسانیده - از آن رو که خود با سودایی محشور بوده و دوستی می‌ورزیده - به نکاتی در احوال شاعر اشاره کرده که در تذکره‌های دیگر از آنها نشانی نیست.

به گفته این تذکره‌نویس، میرزا عبدالله سودایی از سادات طباطبایی قریه بیاضه است و اجداد او تا عصر صفویه در زواره سکونت داشته‌اند و پس از آن به بیاضه آمده‌اند. به گفته

او سودایی به دلیل ناامنی منطقه بیابانک آنجا را رها کرده و در یزد و اصفهان به تحصیل اشتغال ورزیده است. ظاهراً هنگام جوانی سودایی مقارن با قدرت امیراسماعیل خان عرب عامری بوده است. اسماعیل خان عرب از حکمرانان مشهور جندق و بیابانک بود که روستای خوش آب و هوای اردیب را مقر حکومت خود قرار داد و دیوانخانه با عظمتی در آنجا بنا نهاد که اکنون هم برجاست. امیراسماعیل خان که زمانی کوس رقابت با آقا محمدخان قاجار می‌زد از سپاه او شکست خورد و به خراسان گریخت و در آنجا به شاهرخ افشار پناه برد. به سبب جنگ و گریزهای او، جندق و بیابانک صحنه ناامنی شد و در معرض تجاوز و دست‌اندازی نیروهای رقیب درآمد و احتمالاً در همین دوران، سودایی هم زادگاه خود را رها کرده و به یزد رفته است.

شاعر پس از مدتی که در یزد به تحصیل اشتغال جست برای ادامه آن و کسب کمالات به اصفهان رفت و پس از این که چند مدت در آن شهر زیست به کاشان سفر کرد و در محضر شاعران نامور آن عصر یعنی آذر بیگدلی و صباحی بیگدلی به کسب دانش پرداخت و آنگاه به یزد بازگشت و تا پایان زندگی در آنجا زیست و چندی را در شهرهای اطراف یزد چون اردکان و تفت به امر تدریس گذراند. وامق هنگام سخن از سودایی، از وی به عنوان فردی زنده نام برده اما از فحوای شرح حال منظومی که رشحه اصفهانی در تذکره خود (تألیف در سال ۱۲۵۰ ق) به دست داده برمی‌آید که وی در این سال در قید حیات نبوده است. ابیات رشحه در شرح حال سودایی چنین است:

سودایی آل مصطفی کو      آن والی کشور وفا کو  
در زیرزمین گرفت مأوی      جان هنر و جهان تقوی  
گفته به شبی به جز شب قدر      بیتی عربی به خانه صدر

از مقایسه نوشته‌های این دو نویسنده برمی‌آید که وامق تذکره خود را در سالیان متمادی نوشته است و بنابراین با اطمینان می‌توان گفت که سودایی پیش از سال ۱۲۵۰ ق درگذشته است. دیوان بیگی شیرازی که شرح حال سودایی را در تذکره حدیقه الشعرا نگاشته بیشتر اطلاعات خود را از تذکره میکده اخذ کرده الا اینکه به گفته وی سودایی از طبقه علما بوده و عمری دراز یافته است. عجالتاً با تفحصی که در کتب تذکره چاپی و پاره‌ای از آثار خطی به عمل آمد افزون بر مطالب یاد شده مطلبی راجع به سودایی به دست نیامد. حال پیش از ذکر گزیده‌ای از اشعار او شایسته است که درباره روستای بیاضه - زادگاه شاعر - اطلاعاتی به دست داده شود.

بیاضه که امروزه بیاضه نوشته می شود از روستاهای کهنسال منطقه خور و بیابانک و جندق است که روزگاری پناهگاه اسماعیلیه و قلعه قدیمی آن مأمّن طرفداران این فرقه بوده و ناصر خسرو شاعر مشهور اسماعیلی مذهب که در سال ۴۴۴ق از این روستا گذشته به این نکات تصریح ورزیده است. در کتب جغرافیایی دیگر چون مسالک و ممالک و کتاب جیهانی هم از این روستا و مناطق مجاور آن نامی به میان آمده است. امروزه بیاضه یکی از روستاهای ناحیه خور و بیابانک و جندق، و روستایی کم جمعیت است که بر اثر الزام روستائیان به مهاجرت از ساکنان آن به تعداد زیاد کاسته شده است و بیشتر اهالی آن جا در تهران و شهرهای دیگر ساکنند. جمعیت فعلی آن در حدود هزار نفر است و اهالی از راه کشاورزی و اشتغال به صنایع دستی چون قالی بافی امرار معاش می نمایند. آب مشروب بیاضه از دو قنات تأمین می شود و آبی شیرین و خوشگوار دارد و انواع مختلف سبزی و میوه در باغ های آن جا به دست می آید. قدیم ترین شاعر شناخته شده بیاضه سودایی است و پس از او چند شاعر در این روستا برآمده اند که همگی از احفاد یغمای جندقی هستند و مشهورترین آنها عبارتند از: میرزا عباس ارم، میرزا ابوالمفاخر و میرزا محمد طالع. اکنون برای نمودن طبع سودایی، برخی از اشعار او را می آوریم:

#### بخشی از یک قصیده

فصل نوروز است و از باران کف ابر بهار	می کند بر سبزه و گل لؤلؤ لالا نثار
در گلستان باز چشم نرگس اندر راه دوست	بر درختان پهن گوش برگ بر آواز یار
شاه فروردین به تخت لاله پروردن نشست	تاخت تا برجیس بهمن لشکر اسفندیار
چیست فصل نوبهار روح پرور در جهان	چیست باران چمن پر آب طرف جو بیار
از بهشت آورده فصلی در جهان اردیبهشت	ز آب کوثر کرده رشحی ابر نیسان آشکار
فصل نوروزی نباشد، گشته نودهرکهن	سال نو نبود جوان گردیده زال روزگار
آن شهنشاهی که جبریل امین در آسمان	بر ملایک از زمین بوسیش دارد افتخار
آن که گرسریچد از چوگان مهرش گوی مهر	می شود پامال در میدان ظلمت ذره وار

#### قسمتی از یک غزل

زمن کسان که جدایت چو جان زتن کردند      دوکار بهر تو جانا و بهر من کردند

به تو نکویی و با من ستم، نمی دانم که دوستانِ تو، یا دشمنانِ من کردند

### از غزل دیگر

نشاند باغبان بر جویباران سرور عنا را که بر یاد قد تو بگذرانند روزگاری خوش  
چه غم از شام هجران گرزپی صبح وصال آید دمی گو بگذرد ناخوش برای روزگاری خوش

### پنج رباعی

آن را که چو من صلاح و تقوا نبود دیوش به مقام ریب و اغوا نبود  
گو خاطر خویش مطمئن داشته باش جایی نرود دزد که کالا نبود

\*

ای کاش که جان من به جانان برسد پروانه بر شمع فروزان برسد  
این جسم رود به خاک در خاک نجف این ذره به آفتاب تابان برسد

\*

در لاله جمال یار می باید دید در سبزه خط نگار می باید دید  
وان گاه زبگذشتن ایام بهار بی مهری روزگار می باید دید

\*

شامی که بود سعید چون صبح وصال خوابی که بود مبارک و نیک به فال  
شامی که در آن شام تو بنمایی روی خوابی که در آن خواب تو آیی به خیال

\*

این فکر و هوس که در سر انباشته ای وین بار گران تن که برداشته ای  
خوابی است که کرده ایش بیداری نام مرگی است که زندگیش پنداشته ای

### بیت عربی

طالت مصیبتنا من طول ليلتنا و طول ليلتنا بالجوع والسهر

### بیت فارسی

طلب کردن رایگان از کریم به از حق خود خواستن از لثیم  
از اشعار سودایی فعلاً بیشتر از اینها در اختیار نیست. دیوان او به دست نیامد و بـ

تفحصی که در فهرس نسخ خطی کتابخانه‌های ایران و سایر کشورهای جهان انجام شد تاکنون اثری از آن پیدا نشد و البته دور نیست که در آینده مجموعه کامل تری از اشعار و آثار این سراینده برخاسته از کویر به دست آید.

## مأخذ

۱. آل داود، سیدعلی، احوال و اشعار حریف جندقی، تهران، انتشارات فتحی، ۱۳۶۶.
۲. دیوان بیگی شیرازی، سیداحمد، حدیقة الشعراء، به تصحیح دکتر عبدالحسین نوایی، تهران، انتشارات زرین، جلد اول، ص ۸۰۷-۸۰۸.
۳. رشحة اصفهانی، محمدباقر، تذكرة منظوم رشحه، به کوشش احمد گلچین معانی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۴، ص ۴۲-۴۳.
۴. سپهری، منصوره، بیاضه کهن روستایی بر دامان دشت کویر، پایان نامه رشته جغرافیا در دانشگاه تربیت معلم تهران، ۱۳۶۹، نسخه موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تربیت معلم، صفحات مختلف.
۵. وامقی یزدی، محمدعلی، تذكرة میکده، به کوشش حسین مسرت، تهران، فرهنگ ایران زمین، ۱۳۷۱، ۱۵۶-۱۵۴.
۶. یغمایی، عبدالکریم حکمت، بر ساحل کویر نمک، تهران، انتشارات توس، ۱۳۷۰، ص ۸۳-۸۴، ۲۸۳-۲۸۶.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی